

حقوق بین‌الملل و اختلاف اسرائیل و فلسطین

سید محمد باقر امیریان*

چکیده

حقوق بین‌الملل به گذشته‌ی استاد هربرت هارت دارای دو دسته از قواعد است که دسته‌ی اول را قواعد اولیه (حقوق معاهدات) و دسته‌ی دوم را قواعد ثانویه (حقوق مسئولیت). در عرصه بین‌المللی معمولاً این قواعد ثانویه است که در اجرای حقوق بین‌الملل دشوار می‌گردد. این در حالیست که اگر در موضوعی حقوقی قواعد اولیه در اجرا از سوی دولت‌ها بی‌اهمیت تلقی گردد (یا بین دو یا چند دولت در خصوص اختلافی، قواعد اولیه‌ای باشد اما کافی برای حل اختلاف نباشد و طرفین هم میلی به انعقاد معاهده جدید برای آن اختلاف نداشته باشند) اجرای مسئولیت بین‌المللی (قواعد ثانویه) هم سخت می‌گردد. دقیقاً اختلاف بین فلسطین و اسرائیل در همین موقعیت است. چراکه نه معاهداتی برای حل بحران از سوی طرفین منعقد شده که پایتند به آن برای حل اختلاف گردند و نه مسئولیت اسرائیل به نحو کارآمدی مورد شناسایی مراجع بین‌المللی قرار گرفته است. هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای امنیت و مجمع عمومی در این خصوص فعالیت‌هایی داشته‌اند.

در این نوشتار بررسی خواهیم نمود که اختلاف اسرائیل و فلسطین دقیقاً در کدام حوزه حقوق بین‌الملل است و همچنین نقش اجرای حقوق بین‌الملل را توسط برخی از مجریان عرصه بین‌المللی مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

کلید واژگان: حقوق بین‌الملل - فلسطین - اسرائیل - حاکمیت - مراجع بین‌المللی.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

b.amirian87@yahoo.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۱-۴۰

حقوق بین الملل و اختلاف اسرائیل و فلسطین

سید محمد باقر امیریان *

دیباچه

حقوق بین الملل به قواعدی گفته می شود که یا در اثر رعایت تمامی کشورها تبدیل به عرف گردیده و یا به صورت معاهداتی است که مورد پذیرش دولت ها قرار گرفته است و دولت ها ملزم به رعایت آن می باشند. حقوق بین الملل به دلیل تدوین و تصویب و ماهیت قاعده مند و صلح جویانه ای که دارد، گفتمان مقبول دولت ها و ملت ها به شمار می رود به طوری که مردم جهان با وجود اختلاف عقیدتی، فرهنگی، سیاسی از شرق تا غرب عالم، در رعایت حقوق بین الملل با یکدیگر هم عقیده هستند و خود را پایبند به آن می دانند. لذا دولت ها در اقدامات بین المللی خود، این مهم را مد نظر قرار می دهند و در صورت عدم رعایت قواعد بین المللی، مسئولیت هایی را متوجه آن ها می کند که از انزجار افکار عمومی جهان گرفته تا اقدامات تنبیهی مانند: اخذ غرامت، تحریم و حتی برخورد نظامی را شامل می شود.

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

b.amirian87@yahoo.com

فصلنامه مطالعات بین المللی (ISJ) سال سیزدهم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۱-۴۰

در جوامعی متشکل از افرادی که در قدرت و آسیب‌پذیری جسمی تقریباً برابرند مجازات‌های بدنی هم ضروری‌اند و هم ممکن. این مجازات‌ها لازم‌اند تا کسانی که به طور ارادی محدودیت‌های قانونی را می‌پذیرند قربانی خلاف کارانی نشوند که، در صورت فقدان چنین مجازات‌هایی، به خودی خود به قانون احترام نمی‌گذارند و از مزایای پیروی دیگران از آن بهره می‌برند. در میان افرادی که در رابطه‌ای بسیار نزدیک با هم زندگی می‌کنند، فرصت آسیب رساندن به دیگران با حيله گری، اگر نه با حمله آشکار و مجال فرار آن قدر فراوان است که هیچ یک از بازدارنده‌های صرفاً طبیعی، بدون آنکه شکل‌های ساده جامعه را به خود گیرد، به هیچ وجه برای مهار کردن افرادی که به دلیل شرارت، حماقت یا ضعف اراده از قانون پیروی نمی‌کنند کافی نیست. با این همه، به همان دلیل برابری تقریبی و مزایای آشکار تسلیم شدن به نظامی از محدودیت‌ها، احتمال نمی‌رود که قدرت هیچ ترکیبی از خلاف کاران از قدرت کسانی که مختارانه برای حفظ آن نظام می‌کوشند بیش تر باشد. در این شرایط که زمینه حقوق داخلی را شکل می‌دهد، می‌توان مجازات‌ها را به شکل موفق آمیز و با خطراتی نسبتاً کم علیه خلاف کاران به کار گرفت و تهدید به استفاده از آن‌ها موجب تقویت قدرت هر مانع طبیعی ممکن خواهد شد. اما، درست به این دلیل که نکات واضح و بدیهی پیش گفته در مورد افراد درست‌اند ولی در مورد دولت‌ها درست نیستند و نیز به این دلیل که زمینه واقعی حقوق بین‌الملل بسیار متفاوت با زمینه حقوق داخلی است، نه ضرورتی مشابه برای مجازات‌ها وجود دارد و نه چشم اندازی مشابه از کاربرد صحیح و موثر آن‌ها.^۱

یکی از چالش‌هایی که سالیان دراز است که حقوق بین‌الملل با آن دست و پنجه نرم می‌کند، موضوع اختلاف دولت اسرائیل در سرزمین‌های فلسطین است. اینکه چرا حقوق بین‌الملل امروز همچنان راه کار متمر ثمری برای حل این بحران نیافته است پاسخ روشن و قطعی ندارد. شاید به این دلیل که باید ابتدا متخصصین روابط بین‌الملل راهی را ارائه و سپس حقوق دانان بر این راهکار قالب حقوقی بدهند. یا شاید جدل بر سر حاکمیت که از مفاهیم تحول و تطور یافته حقوق بین‌الملل است امکان دستیابی به یک راه حل را نمی‌دهد.

۱. هارت، پروفیسور هربرت، مفهوم قانون، ترجمه دکتر محمد راسخ، صفحه ۳۲۹، انتشارات نی، ۱۳۹۰

بحث بر سر تئوری حاکمیت در حقوق بین‌الملل پایه و اساس آن است اما اینکه اضمحلال حاکمیت در حقوق بین‌الملل امروز بر خلاف حقوق بین‌الملل سنتی که به حاکمیت به چشم خدایگان بر زمین می‌نگریست، می‌باشد، موضوعی نیست که راهگشای حل اختلاف اسرائیل و فلسطین باشد.

شایان توجه است که کاربرد نا دقیق مفهوم حاکمیت به همین سان موجب گسترش سردرگمی در نظریه‌های حقوق داخلی و بین‌المللی شده و در هر دو مورد نیازمند اصلاح است. از اثرات این کاربرد آن بوده است که می‌پنداریم در هر نظام حقوق داخلی باید یک قانون گذار حاکم، که هیچگونه محدودیت قانونی ندارد، وجود داشته باشد، درست همان گونه که باعث شده بیندازیم حقوق بین‌الملل باید ویژگی خاصی داشته باشد، زیرا دولت‌ها دولت‌های حاکم هستند و جز با اراده خود محدودیت قانونی نمی‌پذیرند. در هر دو مورد، باور به وجود ضروری حاکمی که محدودیت قانونی ندارد مبتنی بر یک پیش داوری درباره پرسشی است که تنها با بررسی قواعد موجود قابل پاسخ‌گویی است. این پرسش درباره حقوق داخلی عبارت است از، حد صلاحیت قانونگذار عالی در این نظام چیست؟ درباره حقوق بین‌الملل، حداکثر قلمرو خودمختاری که قواعد برای دولت‌ها مجاز می‌دانند کدام است؟ بدین سان، ساده‌ترین پاسخ به ایراد حاضر این است که ترتیب لازم پاسخگویی به پرسش‌ها بر عکس شده است. حد حاکمیت دولت‌ها را به هیچ وجه نمی‌توان شناخت، مگر آنکه شکل‌های حقوقی در حقوق بین‌الملل و این که آیا صرفاً شکل‌هایی تهی‌اند یا خیر شناخته شوند. بسیاری از مباحث حقوقی به دلیل نادیده گرفتن این اصل مشوش‌اند و بررسی نظریه‌های حقوق بین‌الملل که به نظریه‌های اراده‌انگار یا خود محدود کننده معروفند، در پرتو همین اصل مفید خواهد بود.^۲ البته با پذیرش دوئالیسم در نظام داخلی بسیاری از دولت‌ها نکته فوق تعدیل شده است. مثلاً، محاکم اتریش، کانادا، آلمان، یونان و اسرائیل حقوق داخلی را همانند توصیه‌نامه‌ها، اعلامیه‌ها و آرای قضائی و شبه قضائی محاکم بین‌المللی همانند معاهده و عرف مورد شناسایی قرار می‌دهند. در آرژانتین، گزارش‌های کمیته حقوق بشر و دیوان میان‌آمریکایی حقوق بشر در تفاسیر حقوق داخلی

2. Gihl, op. cit. in Scandinavian Studies in law, Strake, An Introduction to International law, chap. 1, Fischer Williams, Chapters on Current International Law, p. 11, 1957

موثر است. هلند اعلامیه غیر الزام آور اعلامیه جهانی حقوق بشر و استانداردهای ملل متحد و اروپا برای رفتار با زندانیان را مورد توجه قرار می‌دهد.^۳ یا بر طبق قوانین داخلی بسیاری از کشورها مانند کنگو، نروژ و مجارستان حمله به افراد غیر نظامی در هر نوع مخاصمه مسلحانه جرم محسوب می‌گردد. در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، دولت‌های مختلف در لویج خود به دیوان بین‌المللی دادگستری اذعان داشتند که این ممنوعیت بطور عام در تمامی درگیری‌های مسلحانه قابل اعمال می‌باشد. در زمینه درگیری‌های مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی هیچ نوع رویه رسمی مغایری مشاهده نشده است. گاه این قاعده به نحو دیگری بیان می‌شود و به طور خاص به عنوان اصل تفکیک بین رزمندگان و غیر رزمندگان عنوان می‌گردد و بر این اساس افراد غیر نظامی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند در شمار افراد غیر رزمنده محسوب می‌گردند که این موضوع در دادگاه نظامی رام الله در پرونده قاسم مورد تأیید خود اسرائیل هم قرار گرفته است.^۴ تخلف از این قاعده قطع نظر از این که مخاصمه بین‌المللی بوده یا غیر بین‌المللی، عموماً از سوی دولت‌ها مانند هلند، فرانسه و یوگوسلاوی محکوم شده است. به همین ترتیب، شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز حمله علیه غیر نظامیان را که در جریان منازعات متعددی در هر دو حوزه درگیری‌های بین‌المللی و غیر بین‌المللی مورد ادعا قرار گرفته مانند سومالی، لیبیا و در سرزمین‌های اشغال شده از سوی اسرائیل در قطعنامه‌هایی مانند ۹۲۵، ۵۶۴ و ۱۰۴۹ موضوع محکومیت قرار داده یا خاتمه حملات را درخواست کرده است. این که امروزه منافع جهانی بشری بر منافع ملی به معنای خاص منطقه‌ای و درونی تقدم دارد و نیم قرن گذر زمان، عاملی در تقویت جهانی کردن و عرفی کردن معیارهای انسان دوستانه کنوانسیون‌های حقوق بشر دوستانه بوده است.^۵

اصرار بر این نظر که قواعد حاکم بر روابط دولت‌ها صرفاً قواعدی اخلاقی‌اند گاه از این نظر جزمی و قدیمی نشئت می‌گیرد که هر نوع ساختار اجتماعی که قابل تقلیل به دستور

3. Shelton, Dinah, *International Law and Domestic Legal Systems*, p.16, 2011

۴. دوسوالدبک، لوئیس، ترجمه دفتر امور بین الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین المللی صلیب

سرخ، حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، صفحه ۶۷، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۷

۵. ذاکریان، دکتر مهدی، حقوق بین الملل بشردوستانه مواضع آمریکا و اسرائیل، صفحه ۴۰، سال ۱۳۷۹

متکی بر تهدید نباشد چیزی جز شکلی از اخلاق نیست. واژه اخلاق را بی‌تردید می‌توان به این معنای بسیار فراگیر به کار برد. این کاربرد انبانی از مفاهیم را فراهم می‌آورد که قواعد بازی و مسابقات، باشگاه و آداب و معاشرت، مقررات بنیادین حقوق اساسی و حقوق بین‌الملل به همراه قواعد و اصولی که معمولاً آن‌ها را اخلاقی می‌دانیم، مانند منع رایج از ظلم، تقلب یا دروغ، همگی داخل آن ریخته می‌شوند. ایراد مطرح به این شیوه آن است که تفاوت‌هایی آنچنان مهم، در شکل و کارکرد اجتماعی، میان اجزای آنچه بدین سان جمعاً زیر عنوان اخلاق طبقه بندی می‌شوند وجود دارند که این طبقه بندی خام هیچگونه مقصود ممکن عملی یا نظری را بر آورده نخواهد ساخت. تفکیک‌هایی قدیمی را باید از نو انجام دهیم که درون زیر مجموعه اخلاق، که این چنین مصنوعی گسترش یافته، از میان رفته‌اند. به طور خاص، شماری از دلایل گوناگون برای مقاومت در برابر طبقه بندی قواعد حقوق بین‌الملل به منزله اخلاق وجود دارند.^۶

در حقیقت، نکته خنده آوری در تلاش برای درست کردن قاعده‌ای بنیانی برای ساده‌ترین شکل‌های ساختار اجتماعی که فاقد چنین قاعده‌ای هستند وجود دارد. مثل این می‌ماند که اصرار کنیم انسان وحشی اولیه در واقع باید نوعی نامرئی از لباس‌های مدرن را بر تن می‌کرد. متأسفانه، در این جا همواره امکان سردرگمی وجود دارد. بسا که ترغیب شویم چیزی را قاعده بنیانی بشمار آوریم که تکرار بیهوده این واقعیت صرف است که جامعه مورد نظر برخی ضوابط رفتاری را به مثابه قواعد الزامی رعایت می‌کند. قاعده بنیانی عجیب و غریبی که برای حقوق بین‌الملل پیشنهاد شده است بی‌تردید چنین وضعیتی دارد دولت‌ها باید به همان روش معمولی که رفتار می‌کرده‌اند رفتار کنند، زیرا این قاعده چیزی بیش از این نمی‌گوید که آن‌ها که قواعدی را می‌پذیرند باید از این قاعده نیز متابعت کنند که از قواعد باید پیروی کرد. این ادعا صرفاً تکرار بی‌فایده این واقعیت است که دولت‌ها مجموعه‌ای از قواعد را به مثابه قواعد الزام آور پذیرفته‌اند.

در حال حاضر همه اعضای سازمان ملل به عنوان دولت شناسایی میشوند. شناسایی یک دولت، روش و تشریفاتی است که از قرن هجدهم به بعد در روابط بین‌الملل عمومیت پیدا

6. Austin on positive morality in The Province, Lecture V, p125

کرده است و در واقع می‌توان آن را به رسمیت شناختن کشور نوپنیا در توسط دول دیگر دانست. با گذشت زمان و بروز تحولات در حقوق بین‌الملل، نظریه‌های مختلفی درباره شناسایی ارائه شد که نظریه تأسیسی یا ایجادی یکی از آن‌هاست.^۷

توسل به زور توسط حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق معاهدات محدود شده است. به تبع اصل عدم توسل به زور، ممنوعیت اشغال هم در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است چراکه از عمل نامشروع حق بر نمی‌خیزد موضوعی که از حقوق رم به ادبیات حقوق بین‌الملل وارد شده است. در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده: اعضای سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور یا هرگونه رفتاری که با اهداف ملل متحد مطابقت ندارد خودداری خواهند نمود. عدم مشروعیت اشغال سرزمین‌های فلسطین برای عموم حقوقدانان عرصه بین‌المللی مبرهن است و علی‌رغم سعی تامه‌ی دولت اسرائیل برای مشروعیت بخشی به اشغال سرزمین‌های فلسطین هنوز افکار عمومی جامعه بین‌الملل اقباع نشده است و حتی برخی مراجع قضائی اعم از دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی، اشغال سرزمین‌های فلسطینی شناسایی و از دولت‌ها خواسته شده است که شهرک‌سازی‌های اسرائیل را مورد شناسایی قرار ندهند. لوئیس دوسوالدبک، دبیر کل کمیته حقوقدانان بین‌المللی می‌گوید: اصل عدم توسل به زور از جمله اصول ارزشمند منشور ملل متحد است به این خاطر که از توسل به زوری که منشورها ذاتاً به آن متمایل هستند، جلوگیری می‌نماید. اما باید پذیرفت این اصل بازدارنده و ممنوعیت اشغال برای سرزمین‌های فلسطین به روی کاغذ مانده است و با توجه به اقدامات دولت اسرائیل در این سرزمین‌ها گویی چنین اصلی وجود ندارد و این خود انفعال و ناکارآمدی مجمع عمومی و شورای امنیت را در این خصوص می‌رساند.

تاریخچه سرزمین فلسطین

از نظر تاریخی، پیشینه سرزمین فلسطین به سال‌های پیش از میلاد و دوره‌ی حضور

۷. احدی، علیرضا، بررسی عضویت فلسطین در سازمان ملل از منظر حقوق بین‌الملل، صفحه ۲، فصلنامه فلسطین، شماره ۱۷،

کنعانی‌ها در آن جا میرسد. در حقیقت، کنعانی‌ها اجداد فلسطینی‌های امروزی بودند و این سرزمین هم معمولاً به نام سرزمین کنعان شناخته شده است. از نظر تاریخی، یهودی‌ها برای دوره‌های کوتاه در بخشی از این سرزمین، زندگی می‌کردند و تاریخ هیچگاه به حاکمیت یهود در این سرزمین اشاره نکرده است.^۸

اما امروز منطبق با اسناد حقوقی بین‌المللی اعم از قطعنامه‌های مجمع عمومی ملل متحد مرزهای سرزمین فلسطین و دولت آتی مردم آن بر اساس مرزهای قبل از سال ۱۹۴۷ می‌باشد. از زمان اعلامیه استقلال اسرائیل در می ۱۹۴۸، اختلاف بین دولت‌های عربی و مردم فلسطین با دولت اسرائیل ادامه داشته است. بعد از اعلامیه استقلال در می ۱۹۴۸ مردمی از مصر، سوریه و عراق وارد فلسطین شدند. چند سال بعد در ۱۹۵۴ بعد از ارزیابی تهدیدات امنیتی، نخست وزیر اسرائیل دیوید بن گرین کشورهای عربی را برای جنگی دیگر در ۱۹۵۶ مناسب ارزیابی کرد.^۹

دیدگاه‌های متفاوتی به عنوان کیفیت حقوقی اختلاف بین اسرائیل و فلسطین وجود دارد. بر اساس نظریه پروفیسور کسسه یک اختلاف بین‌المللی بین یک قدرت اشغالگر یا گروه‌های شورشی زمانی یک اختلاف بین‌المللی است که آن گروه خواه تروریست باشند خواه نباشند در یک سرزمین تصرفاتی صورت داده باشند. دادگاه تجدیدنظر اسرائیل در قضیه کشتار هدفمند هم چنین دیدگاهی داشته است. این دیدگاه که امروز در حقوق بین‌الملل کاملاً پذیرفته شده است حاوی آثاری است و آن مسئولیت بین‌المللی قدرت اشغالگر است.

۱۴۹ ماده کنوانسیون چهارم ژنو از حقوق فلسطینی‌هایی که در سرزمین‌های تصرف شده فلسطین زندگی می‌کنند، حمایت می‌کند. به راستی، نقض کنوانسیون چهارم ژنو جنایات جنگی است. در مقابل، مردم فلسطین در حال دفاع از خود و سرزمینشان و خانه‌هایشان در مقابل جنایات جنگی اسرائیل هستند و جنایات اسرائیل هم در مقابل نظامیان فلسطینی است و هم در مقابل مردم عادی.^{۱۰}

۸. باقرزاده، محمد رضا، رژیم اشغالگر قدس و حقوق بین‌الملل، صفحه ۳، سال ۱۳۸۱

9. Szabo, kinga Tibory, Anticipatory Action in Self Defence, p, 143, 2011

10. Boyle, Francis, International law, Israel and Palestine, p3

تا همین اواخر، ایده استفاده از حقوق بین‌الملل در رابطه با اختلاف اسرائیل و فلسطین بیشتر تئوری‌ای بود که در محافل دانشگاهی و ارکان سازمان ملل مطرح بود. فلسطین نمیتوانست به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ملحق گردد و نمیتوانست به اسناد حقوق بشری و معاهدات بین‌المللی متوسل گردد. در نتیجه برای یک دوره زمانی طولانی به نظر میرسید که هیچ دادگاهی برای شرایط فلسطین صلاحیت رسیدگی نداشت.^{۱۱}

به طور سنتی حقوق بین‌الملل، به ندرت به مشروعیت دموکراتیک مهم ترین موضوعات خود یعنی کشورها می‌پردازد و صرفاً خود را به ارتباطات میان کشورها و نه آنچه در درون آن‌ها می‌گذرد، محدود می‌کند. کشورها عمدتاً نمایندگان یک رژیم جدید را به عنوان جانشین قانونی در سفارتخانه‌ها و کمیسیون‌های مشترک می‌پذیرند. منشور سازمان ملل متحد نیز در خصوص چالش‌های مشروعیت حکومت ساکت است و مشروعیت دولت یا حکومت شرط عضویت در سازمان ملل نیست.^{۱۲}

دستیابی به صلح در اختلاف اسرائیل و فلسطین سخت نیست اما زمان بر است نیست. نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در جولای ۲۰۰۴ تعدادی از موضوعات سیاسی و حقوقی در اختلاف اسرائیل و فلسطین را شناسایی کرد و ساختاری قدرتمند به حقوق بنیادین داد. در حالیکه قدرت‌های اصلی در اختلاف خاورمیانه یعنی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا علاقه‌ای به اجرای حقوق بنیادین ندارند.^{۱۳}

اسرائیل با مدنظر قرار دادن سیر تحول نحوه هدایت مخاصمات مسلحانه، به ویژه تحول صحنه نبرد، مدعی است که امروزه حمله به غیر نظامیان شرکت کننده در مخاصمه محدود به صحنه نبرد نیست، بلکه در خارج از آن نیز می‌توان به آن‌ها حمله کرد. واقعیت این است که، در مخاصمات مسلحانه معاصر، صحنه نبرد متحول شده است. هر چند، این تحول می‌تواند در تبیین مفاهیم مبهم حقوق بشردوستانه مانند مشارکت مستقیم موثر افتد، اما به

11. Kersten, Mark, Justice in Conflict on Palestine, International Law and the International Criminal Court, p.2, 2015

۱۲. توکلی، دکتر علی، مشروعیت دموکراتیک و تحول در مفهوم شناسایی کشورها و حکومت‌ها، صفحه ۳،

فصلنامه ی پژوهش حقوق، سال ۱۳۹۰

13. M. Akram, Susan, International law and The Israel Palestinian conflict, p.6, 2011

هیچ وجه دلیلی بر نا کارآمدی حقوق بشر دوستانه نیست.^{۱۴} در راستای کشف این حقیقت که آیا اسرائیل در سرزمین‌های فلسطین حقوق بین‌الملل بشر دوستانه را نقض می‌کند یا نه کمیته‌ای چهار نفره به ریاست ریچارد گلدستون قاضی بازنشسته آفریقایی و سه بازپرس جنایات جنگی برای محاکم رواندا و یوگوسلاوی انتخاب شدند. دولت اسرائیل همکاری با محققین را رد کرد تا کمیته نتواند به شاهدین نظامی دسترسی داشته باشد با این استدلال که محققین دیدگاهی ضد این کشور دارند. گزارش کمیته حاوی جزئیاتی در خصوص بلقوه بودن ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت توسط هر دو طرف اختلاف بود.^{۱۵}

دولت اسرائیل تلاش کرده است بالاترین دادگاه را برای پذیرش مفهوم مبارزان غیر قانونی در رابطه با جنگجویان فلسطینی متقاعد کند. در حقوق بین‌الملل بشر دوستانه یک فرد یا نظامی است یا یک غیر نظامی که فرد غیر نظامی در مشارکت مستقیم حمایت از مصونیت از حمله را از دست می‌دهند.^{۱۶}

اسرائیل در سال ۲۰۰۶ با حزب الله لبنان وارد جنگ شد. این استدلال متقاعد کننده است که اگر یک درگیری نظامی ویژگی بین‌المللی ندارد، نتیجتاً درگیری نظامی غیر بین‌المللی است و ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو قابلیت اجرا دارد. در هر حال قواعد معاهداتی کمی برای درگیری‌های نظامی غیر بین‌المللی در مقایسه با درگیری‌های نظامی بین‌المللی وجود دارد.^{۱۷} در مقابل در سال ۲۰۰۶، در پرونده کشتار هدفمند، دادگاه یک اختلاف بین‌المللی را بین اسرائیل و فلسطین مورد شناسایی قرار داد. در نتیجه، غیر نظامیان می‌توانند دور از اختلاف قرار بگیرند.^{۱۸}

نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فلسطین

وقتی مجمع عمومی درخواست نظریه مشورتی در سال ۲۰۰۳ در خصوص مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های فلسطین به وسیله اسرائیل را کرد، اسرائیل به دفاع مشروع استناد می‌کرد، مخصوصاً به قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت که به دولت‌ها حق می‌دهد در

14. Queguiner, La participation direct aux hostilités en droit international law humanitaire, p. 5

15. Chen, Lung Chu, An Introduction to Contemporary International Law, p. 208, 2015

16. Cameron, Lindsay, Privatizing War, p. 433, 2013

17. Matthee, Marielle, Armed Conflict and International Law, p.12, 2013

18. Schmitt, 2004

مقابل تروریسم به دفاع مشروع متوسل می‌شوند. اما ماده ۵۱ منشور ملل متحد در سرزمین‌های اشغالی قابلیت اجرا و استناد ندارد. مدتی بعد در فعالیت‌های نظامی در سرزمین‌کنگودر سال ۲۰۰۵، دیوان بین‌المللی دادگستری فرصتی یافت تا این موضوع را شفاف تر سازد.^{۱۹} در قضیه دیوار حائل اسرائیل برای امنیت خود دور سرزمین‌های اشغالی فلسطین ساخت نقض حقوق بین‌الملل شناخته شد، تصمیمی که به وجهه اسرائیل در دنیا صدمه زد. البته دولت اسرائیل متأثر از این نظریه تا مدتی ساخت شهرک‌ها را متوقف کرد. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه خود از دولت‌ها خواست چنین اقدامات دولت اسرائیل را به رسمیت نشناسند. در نظریه دیوار حائل ممنوعیت توسل به زور و اصل حق تعیین سرنوشت تأیید شد. نتایج حقوقی ناشی از ساخت دیوار حائل توسط اسرائیل، قدرت اشغالگر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین که درون و در شرق اورشلیم می‌باشد که در گزارش دبیرکل تشریح شده است و قواعد و اصول حقوق بین‌الملل نشأت گرفته است و دربردارنده کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت هم می‌باشد، چیست؟ با توجه به این سوال در قطعنامه مجمع عمومی در رابطه با ساخت دیوار حائل قواعد مرتبط با یک قدرت اشغالگر مورد نظر قرار گرفته شد. در هر حال، دیوان همچنین درصدد یافتن دیگر قواعد حقوقی مرتبط بود.^{۲۰}

نقش سازمان ملل متحد در قضیه فلسطین

دسته‌ای از قطعنامه‌های مجمع عمومی، اسرائیل به دلیل انجام اعمال مختلفی، مانند تصرف سرزمین‌های اشغالی و دیگر سرزمین‌های عربی که ادعا می‌شود نقض منشور ملل متحد است و استقرار در زمین عربی، ناقض کنوانسیون چهارم ژنو و حقوق اشغال است و به دلیل تجاوز به لبنان محکوم شده است. برای مثال، مجمع جهانی سلامت قطعنامه‌هایی را مورد تصویب قرار داد که در خصوص سلامتی ساکنین سرزمین‌های اشغالی ابراز نگرانی کرد. در ۱۹۸۳ مجمع اسرائیل را برای حمله به لبنان و تخریب شهرها و مجروح کردن غیر نظامیان بدون توجه به سلامتی آن‌ها محکوم نمود.^{۲۱}

19. Heintze, Hans Joachim, From Could War to Cyber War, p. 132, 2016

20. D. Grant Thomas, Aggression Against Ukraine, p. 140, 2015

21. Health Condition of the Arab Population in the Occupied Arab Territories, Including Palestine, Thirty Six World Health Assembly, Doc. No. WHA 36.27 at Para.2

یکی از اتفاق‌هایی که نقطه‌ای عطف در تاریخ شکل‌گیری سرزمین فلسطین خواهد بود در یکم آوریل سال ۲۰۱۵ روی داد که اساسنامه رم برای دولت فلسطین لازم‌الاجرا شد. فلسطین پس از ناامیدی از عضویت در مجمع عمومی ملل متحد به عنوان دولت از سال‌ها پیش شانس خود را با عضویت در برخی از ارکان ملل متحد امتحان کرد که به شیوه آبخاری عضویت معروف است. به نظر می‌رسد فلسطین با این روش توانسته است نتایج مثمر ثمری برای خود ترتیب دهد. البته استفاده از کلمه دولت برای سازمان‌هایی که فلسطین در آن عضو است با قدری مسامحه است چرا که می‌دانیم بسیاری از کشورها به دلیل فقدان شروط تشکیل دولت برای فلسطین، این موجودیت را به عنوان دولت مورد شناسایی قرار نداده‌اند. البته این موضوع به شکل دیگری برای اسرائیل هم مطرح بود و اگرچه اسرائیل هنوز یک دولت نبود، مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیوان بین‌المللی دادگستری خواست آیا اهلیت قانونی برای جبران خسارت وجود دارد. این رویه برای کشور سوئد برای دادخواهی حائز اهمیت بود.

پروتکل اول به وسیله تعداد کثیری از دولت‌ها مانند عراق و افغانستان تصویب شد اما کشورهای کلیدی خاص مانند ایالات متحده آمریکا و اسرائیل به آن ملحق نشده‌اند. بسیاری از مفاد پروتکل اول منعکس کننده حقوق بین‌الملل عرفی است. برای مثال، ماده ۹۱ تکرار ماده کنوانسیون لاهه که در بر دارنده حقوق و عرف‌های جنگ در زمین ۱۹۰۷ است که منعکس کننده قاعده عرفی است.^{۲۲}

در خصوص رویه دولت‌ها در خصوص اجرای حقوق بشردوستانه که بعضاً به تأیید دولت اسرائیل هم رسیده است ذیلاً به بحث می‌پردازیم. بسیاری از دولت‌ها مانند ایرلند، آرژانتین و استونی قوانینی را به تصویب رسانیده و حمله به اموال غیر نظامی را در جریان درگیری‌های مسلحانه جرم قلمداد کرده‌اند. در بسیاری از بیانیه‌های رسمی مانند اسلوونی، ایران و مصر نیز به این قاعده استناد شده است. این رویه، رویکرد دولت‌هایی مانند فرانسه، ایران و بریتانیا را که طرف متعاقد پروتکل نیستند یا در زمان تصویب، طرف متعاقد

22. See Case Concerning Armed Activities in the Territory of the Congo (DRC v. Uganda) (Merits) ICJ Reports 2005, Para 214

پروتکل‌های الحاقی نبوده‌اند نیز شامل می‌گردد. تعدادی از دولت‌ها مانند بریتانیا، ایران و ژاپن در لوایح خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای در دیوان بین‌المللی دادگستری به اصل تفکیک میان اموال غیر نظامی و اهداف نظامی استناد کرده‌اند. دیوان در نظریه مشورتی خود اظهار داشته که اصل تفکیک یکی از اصول اساسی حقوق بین‌المللی بشردوستانه و یکی از اصول غیر قابل تخطی حقوق بین‌الملل عرفی است. وقتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اکتبر ۱۹۷۳ و قبل از تصویب پروتکل الحاقی اول، از طرفین تخاصم خاورمیانه درخواست کرد که به اصل تفکیک میان اموال غیر نظامی و اهداف نظامی احترام بگذارند، دول مصر، عراق، اسرائیل و سوریه به این درخواست پاسخ موافق دادند.

در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی مانند آلمان، آفریقای جنوبی و کامرون اصل تناسب در حمله مطرح شده است. به خصوص دستورالعمل حقوق بین‌المللی بشردوستانه سوئد اصل تناسب را به صورت مندرج در ماده ۵۱ از پروتکل الحاقی شماره ۱، به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مورد شناسایی قرار داده است. دولت‌های بسیاری مانند گرجستان، بریتانیا و بلاروس قانون وضع کرده و اجرای حمله‌ای را که از اصل تناسب تخطی ورزد، جرم شناخته‌اند. این قاعده در بیانیه‌های رسمی مانند آلمان، ایالات متحده آمریکا و استرالیا نیز مورد تأیید قرار گرفته است. این رویه در عین حال رویه دولت‌هایی مانند عراق، کنیا و بریتانیا را که طرف متعاهد پروتکل الحاقی اول نیستند یا در زمان تصویب طرف متعاهد نبوده‌اند نیز در بر می‌گیرد. وقتی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اکتبر ۱۹۷۳، قبل از تصویب پروتکل الحاقی شماره ۱، از طرفین منازعه در خاورمیانه خواست که به رعایت اصل تناسب در حمله احترام بگذارند، دولت‌های مربوطه مانند مصر، عراق، اسرائیل و سوریه پاسخ موافق دادند.

رویه دولت‌ها این قاعده را که هر یک از طرف‌های درگیری باید هرگونه اقدام ممکن را برای اطمینان از نظامی بودن هدف انجام دهند به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. الزام به انجام هر اقدام ممکن جهت احراز این موضوع که هدف‌های تعیین شده، هدف‌هایی نظامی هستند در ماده ۵۷ از پروتکل الحاقی اول گنجانیده شده است و هیچ حق شرطی که مرتبط

با این قاعده باشد نسبت بدان وارد نشده است. این الزام در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی مانند آلمان، اسپانیا و بنین آمده است. بیانیه‌های رسمی و رویه گزارش شده مانند ایالات متحده آمریکا، سوریه و مالزی نیز این موضوع را مورد تأیید قرار داده‌اند. این رویه در عین حال شامل رویه دولت‌هایی مانند ایالات متحده، اندونزی و عراق است که طرف متعاقد پروتکل الحاقی اول نیستند یا در آن زمان نبوده‌اند. وقتی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در اکتبر ۱۹۷۳، قبل از تصویب پروتکل الحاقی اول، از طرفین منازعه در خاورمیانه خواست که موضوع رعایت الزام به اتخاذ هر اقدام ممکن برای احراز اینکه هدف‌های برگزیده، هدف‌هایی نظامی هستند را مدنظر قرار دهند، دولت‌های مربوطه شامل مصر، عراق، اسرائیل و سوریه پاسخ مثبت دادند.

در نوامبر ۲۰۱۵ مجمع عمومی ملل متحد قطعنامه‌ی ۱۱۷۳۲ تصویب نمود که به بحث فلسطین می‌پرداخت. نمایندگان دولت‌های آرژانتین، قطر، چین، امارات متحده عربی، مالزی، ترکیه، زامبیا، مراکش، آفریقای جنوبی و مالدیو به سخنرانی پرداختند که بیشتر به بحث درباره سخنان نمایندگان دولت‌های سنگاپور، سوریه، آرژانتین و اتحادیه اروپا گذشت. نماینده دولت مصر به طور کلی راجع به وضعیت خاورمیانه پرداخت. نماینده اسرائیل اذعان دارد که چنین قطعنامه‌هایی بدون کاربرد است و باعث شکست گفت و گوی طرفین و همچنین هدر رفتن بودجه سازمان می‌شود. مجمع عمومی همیشه تلاش می‌کند تا شرایطی ایجاد شود که هر دو طرف در کنار هم با صلح استقرار یابند. نماینده مالدیو در پاسخ به اظهارات نماینده اسرائیل بیان داشت، اسرائیل در شرق اورشلیم نیروی پلیس مستقر کرده است و اعمالی را مرتکب می‌شود که نقض حقوق بشر است. نمایندگان فدراسیون روسیه، عمان، سوریه، مالدیو و قزاقستان در سخنرانی خود به مسائل عمومی پرداختند. نمایندگان اسرائیل، سوریه، کوبا و نیکاراگوئه درخواست سخنرانی مجدد کردند تا به برخی نمایندگان دیگر دولت‌ها پاسخ دهند. نماینده دولت آرژانتین اشاره کرد که این کشور تشکیل دو دولت منطبق با مرزهای ژوئن ۱۹۶۷ حمایت خواهد کرد. این یک راه حل عادلانه برای پناهندگان فلسطین و اسرائیل است. نماینده دولت قطر اشاره کرد بعد از تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به فلسطین موقعیت دولت ناظر در

جامعه بین‌المللی اعطا نمود، ضرورت تشکیل دولت فلسطین بیش از پیش شده است و فلسطین باید بتواند در شرق اورشلیم دولتی مستقل و معتبر تشکیل دهد. این نقشه راهی است برای صلح و تشویق بازگشت پناهندگان فلسطینی و پایان اشغال اسرائیل. شورای امنیت نقش ویژه‌ای برای پایان این اشغال دارد. دولت قطر از مردم فلسطین برای تشکیل دولتی مستقل حمایت می‌نماید. نماینده دولت چین اشاره کرد، اگر سازمان ملل متحد راه حل کاملی به طرفین اعطا نماید این مخاصمه پایان خواهد پذیرفت. جامعه بین‌المللی باید فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را برای دستیابی به یک راه حل فوری ترغیب نماید و این دو جامعه باید اقدامات فوری برای حل این وضعیت متشنج انجام دهند که ابتکار عمل به دلیل قدرت بیشتر اسرائیل نسبت به فلسطین با این کشور است. دولت چین با هر شکل از تروریسم مخالف است و از اعمال جامعه بین‌المللی در رابطه با اصول منشور ملل متحد و دیگر هنجارهای حاکم بر روابط بین‌الملل دفاع می‌نماید. نماینده دولت امارات متحده عربی خواستار حمایت بین‌المللی برای مردم فلسطین شد که اساس آن کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های آن است و نقش هدایت‌کنندگی شورای امنیت را گوشزد کرد که می‌توان با تصویب قطعنامه‌ای با تدابیر نظام ضمانت اجرائی آن از امنیت غیر نظامیان فلسطینی حمایت کرد.

همچنین مجمع عمومی ملل متحد در ۹ دسامبر سال ۲۰۱۵ قطعنامه ۱۱۷۳۷ را تصویب کرد که بر اساس توصیه کمیته چهارم، مجمع عمومی ۲۵ پیش‌نویس قطعنامه و سه تصمیم را به تصویب رساند که به موضوعات استعمار زدایی در فضای ماورای جو و اختلاف طولی‌المدت اسرائیل و فلسطین می‌پرداخت و البته دو تصمیم هم برای برنامه آینده کاری کمیته مورد تصویب قرار گرفت. گزارشگر کمیته چهارم توجه مجمع عمومی را به رکن گزارش توجه می‌دهد.

همچنین کمیته متونی را با توجه به ماده ۷۳ منشور ملل متحد در خصوص استعمار زدایی از سرزمین‌های بدون حاکمیت ارائه داد که مورد تصویب مجمع عمومی قرار گرفت. مجمع عمومی و سازمان‌های نظام ملل متحد در خصوص عدم همکاری با ملت‌های فاقد حاکمیت ابراز نگرانی کردند. همچنین مجمع تأکید کرد که اموال فرهنگی ملت‌ها باید به

آن‌ها بازگردانده شود. این موضوع پیش از این در سند شماره ۷۰/۳۶۵ که توسط دبیرکل ملل متحد تنظیم شده بود، اشاره گشته بود. لذا قطعنامه جهت همکاری دول عضو سازمان ملل برای ساکنین سرزمین‌های بدون حاکمیت بدون و تو تصویب شد. بحث راجع به همکاری با پناهندگان فلسطینی اعتراض دولت اسرائیل را به همراه داشت. مجمع نگرانی شدید را در خصوص مشکلات خاص پناهندگان فلسطینی اعم از موضوعات امنیت و شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی ابراز داشت. همچنین در مجمع عمومی تأیید شد که پناهندگان فلسطینی باید از اموال و درآمد خودشان منطبق با اصول انصاف و عدالت برخوردار باشند. از اسرائیل همانند گذشته درخواست شد که کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را به صورت دوزوره در سرزمین‌های اشغالی اجرا نماید. غیر قانونی بودن تصمیم دولت اسرائیل در ۱۹۸۱ برای تحمیل حقوق، صلاحیت و مدیریت بر سرزمین اشغالی در جولان سوریه که منجر به انضمام موثر این سرزمین شد، مورد توجه مجمع عمومی قرار گرفت. همکاری برای دانشگاه صلح و همچنین کمیته‌های سیاسی هم مورد درخواست مجمع عمومی بود. نمایندگان دولت‌های قبرس، ایتالیا، سوریه، ترکیه و آرژانتین در این جلسه سخنرانی خود را ایراد کردند.

شورای امنیت ملل متحد در قطعنامه ۱۸۶۰ سال ۲۰۰۹ بر اهمیت امنیت شهروندان فلسطینی تأکید می‌کند و نگرانی این رکن را در خصوص نقض شدید حقوق بشر دوستانه در نوار غزه اعلام نمود. شورای امنیت در این قطعنامه همانند گذشته تنها راه رسیدن به حل اختلاف فلسطین و اسرائیل را دستیابی به راه حل صلح آمیز می‌داند. همچنین توجه به حقوق بشر جمعیت غیرنظامی در سرزمین‌های اشغالی از سوی اسرائیل در طول جنگ ۱۹۶۷، نخستین بار به وسیله شورای امنیت در قطعنامه (۱۹۶۷) ۲۳۷ بیان شده است که در آن، میان سایر مسایل، این امر به حکومتها یادآوری شده که صادقانه به اصول حقوق بشر دوستانه مندرج در کنوانسیون چهارم ژنو سال ۱۹۴۹، احترام بگذارند.

در دسامبر سال ۱۹۶۸، مجمع عمومی کمیته ویژه سه نفره تحقیق درباره فعالیت‌های مؤثر اسرائیلی‌ها بر حقوق بشر مردم فلسطین و دیگر اعراب سرزمین‌های اشغالی، را تشکیل داد و از آن خواست که گزارشها را در زمان مقتضی ارائه کند. حکومت اسرائیل از همان آغاز، مانع بازدید کمیته ویژه از سرزمین‌های اشغالی برای اجرای تحقیقات محوله به آن گردید. اسرائیل

بر این باور بوده است که قطعنامه‌ای که کمیته ویژه براساس آن تشکیل شده، تبعیض‌آمیز بوده و کوشیده است که پیش‌دووریهای کمیته ویژه را، اساس تحقیقات فرض نماید.

از سال ۱۹۷۰، کمیته ویژه گزارشهای سالیانه‌ای را به مجمع عمومی ارائه داده که از سال ۱۹۸۹ با دو گزارش الحاقی دوره‌ای کامل گردیده است. بدون دستیابی مستقیم به سرزمینهای اشغالی فلسطینی، اعضا تصمیم گرفتند که گزارشهای خود را بر مشاهداتی مبتنی سازند که در دیدارهایشان از دولتهای همسایه با افرادی که اطلاعات دست اول از وضعیت حقوق بشر در سرزمین اشغالی فلسطین دارند، به دست آورده‌اند.

این گزارشها به وضعیت حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی مستند گردیده و شامل رویدادهای مرتبط با انتفاضه (۱۹۸۷-۱۹۹۳)، اجرای عدالت، رفتار با بازداشت شدگان، رفتار با غیرنظامیان فلسطینی، راهکارهای سودمند آزادیهای اساسی و فعالیتهای شهرک‌نشینان اسرائیلی در نقض حقوق بین‌الملل است.

آنها تأکید می‌کنند که به ویژه با گذشت دو دهه، اسرائیل سیاست ضمیمه‌سازی دو فاکتو را از راه ابزارهایی مانند ایجاد و گسترش شهرکها، مصادره دارایی، انتقال شهروندان اسرائیلی به سرزمینهای اشغالی و اخراج فلسطینیان از سرزمینها و تشویق یا الزام فلسطینیان به ترک وطنشان، تداوم بخشیده است. براساس گزارشهای بیان شده، چنین اقداماتی نقض تعهداتی است که اسرائیل به عنوان یک دولت عضو نسبت به کنوانسیون چهارم ژنو دارد.^{۲۳}

دست‌آورد

مباحث مربوط به حاکمیت از پیچیده‌ترین بحث‌های حقوق بین‌المللی است تا جائیکه عده‌ای را عقیده بر آن است که چون حقوق بین‌الملل توسط دولت‌ها وضع، اجرا و نظارت می‌شود اصلاً حقوق نیست. این نظر قدیمی، اما همچنان طرفدارانی ولو کم برای خود دارد. موضوع اختلاف فلسطین و اسرائیل حاکمیت است که در طول این چند دهه هر یک از طرفین سعی بر آن داشته‌اند در جامعه بین‌المللی مشروعیت وجود دیگری را زیر سوال ببرند. یکی از نگرانی‌هایی که حل اختلاف اسرائیل و فلسطین را ممکن است در آینده

۲۳. کتاب فلسطین و سازمان ملل، فصل هشتم

مشکل کند بحران کم بود آب شیرین است که بحرانی جهانی است. با افزایش نیاز به آب شیرین نگرانی‌هایی را در خصوص عملکرد اسرائیل، اردن و فلسطین افزایش می‌دهد، نکته‌ای که در سال‌های آینده بیشتر نمود خواهد داشت که در این مقال بیشتر جنبه طرح مسئله را دارد تا بحث در خصوص ماهیت احتمالی این اختلاف. ارکان مختلف جامعه بین‌المللی از دولت‌ها گرفته تا سازمان‌های بین‌المللی و ... توجه ویژه و شاز به بحران فلسطین داشته‌اند اما این تکاپو کفایت حل این بحران را هرگز نداشته است. پر واضح است که با استناد به بسیاری از گزارش‌های کارشناسان دولت اسرائیل کراراً در حال نقض حقوق بین‌الملل است و چه نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و چه قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت راه‌های گشای حل این مشکل نبوده هر چند بی‌تأثیر هم نبوده است. با اینکه اسرائیل در میان بازیگران بین‌المللی به خاطر رفتارهای ناقض حقوق بشرش نسبت به فلسطینی‌ها و دیگر اعراب سرزمین‌های اشغالی شدیداً در معرض انتقاد قرار دارد و کمیسیون حقوق بشر هر ساله قطعنامه‌های متعددی مبنی بر نقض حقوق بشر توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی صادر می‌کند اما همین کشور بسیاری از معاهدات حقوق بشر نیز ملحق شده است.^{۲۴} جدایی حقیقت از واقعیت در موضوع فلسطین هر حقوقدان مشرف به حقوق بین‌الملل را وا می‌دارد تا راه حلی برای این بحران ارائه دهد. به نظر می‌رسد هنوز راه حل متقنی در عمل ارائه نشده که هم مقبول دولت اسرائیل افتد و هم حقوق مردم فلسطین را حفظ نماید. ارائه هر راه حلی منطبق با قواعد بین‌المللی در ابتدا آتش بسی واقعی را میان طرفین اختلاف می‌طلبد تا گام بعدی که شناسایی دولت فلسطین از سوی جامعه بین‌المللی است که با عضویت فلسطین به عنوان ناظر در سازمان ملل متحد و همچنین عضویت به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیش از پیش این موضوع پیشرفت داشته است. همچنین استعانت به اصول حقوق بین‌المللی همچون اصل عدم توسل به زور و مخصوصاً اصل حسن همجواری در رفع این بحران گره گشا خواهد بود. بدیهی است ابتکار عمل برای بهره مندی اسرائیل و فلسطین از این اصول متوجه دولت اسرائیل است

۲۴. ذاکریان، دکتر مهدی، جایگاه آمریکا و اسرائیل در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، صفحه ۳۱، سال ۱۳۷۸

چراکه این دولت کراً به نقض این اصول همت گماشته است. در غیر اینصورت استقرار دو حاکمیت در این بخش از جهان برای اسرائیل و فلسطین رویایی بیش نخواهد بود. به عبارت بهتر به طور کلی می‌توان گفت " نظام دولت‌ها هنگامی شکل می‌گیرد که دو یا چند دولت روابط کافی بین خود دارند تا از این طریق رفتار هر کدام یک عنصر ضروری در محاسبات دو طرف قرار گیرد. جامعه دولت‌ها هنگامی به وجود می‌آید که یک گروه از دولت‌ها، جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، بدین معنی که آن‌ها یکدیگر را ملزم به یک مجموعه از قوانین در روابطشان با یکدیگر بدانند. ^{۲۵۱}

۲۵. رابرت جکسون و گئورگ سورنسن، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه دکتر مهدی ذاکریان و احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، ص ۲۲۰، سال ۱۳۹۰

پی‌نوشت‌ها:

منابع به زبان فارسی

۱. هارت، پروفیسور هربرت، مفهوم قانون، ترجمه دکتر محمد راسخ، صفحه ۳۲۹، انتشارات نی، ۱۳۹۰
۲. احدی، علیرضا، بررسی عضویت فلسطین در سازمان ملل از منظر حقوق بین‌الملل، ص ۲، فصلنامه فلسطین، شماره ۱۷، سال ۱۳۹۱
۳. باقرزاده، محمد رضا، رژیم اشغالگر قدس و حقوق بین‌الملل، ص ۳، سال ۱۳۸۱
۴. توکلی، دکتر علی، مشروعیت دموکراتیک و تحول در مفهوم شناسایی کشورها و حکومت‌ها، صفحه ۳، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق، سال ۱۳۹۰
۵. دوسوالدیک، لوئیس، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، صفحه ۶۷، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۷
۶. ذاکریان، دکتر مهدی، جایگاه آمریکا و اسرائیل در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، سال ۱۳۷۸
۷. ذاکریان، دکتر مهدی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه مواضع آمریکا و اسرائیل، سال ۱۳۷۹
۸. رابرت جکسون و گئورگ سورنسن، ترجمه دکتر مهدی ذاکریان و احمد تقی زاده و حسن سعید کلاهی، درآمدی بر روابط بین‌الملل، سال ۱۳۹۰
۹. کتاب فلسطین و سازمان ملل، فصل هشتم

منابع به زبان انگلیسی

1. Boyle, Francis, International law, Israel and Palestine, p3
2. Kersten, Mark, Justice in Conflict on Palestine, International Law and the International Criminal Court, p.2, 2015
3. M. Akram, Susan, International law and The Israel Palestinian conflict, p.6, 2011
4. Queguiner, La participation direct aux hostilites en droit international law humanitaire, p. 5
5. Chen, Lung Chu, An Introduction to Contemporary International Law, p. 208, 2015
6. Cameron, Lindsay, Privatizing War, p. 433, 2013

7. De ChaZournes, Laurence Boisson, Fresh Water in international law, p. 239, 2013
8. Szabo, kinga Tibory, Anticipatory Action in Self Defence, p, 143, 2011
9. Mathee, Marielle, Armed Conflict and International Law, p.12, 2013
10. Ohlin Jens David, The Assault on International Law, p. 221, 2015
11. Bantekas Llias, Concentrate International Law, p, 162, 2013
12. Heintze, Hans Joachim, From Could War to Cyber War, p. 132, 2016
13. Military and paramilitary Activities in and against Nicaragua
14. Shelton, Dinah, International Law and Domestic Legal Systems, p.16, 2011
15. Schmitt, 2004
16. Freeston, David, Contemporary Issues in International Law, p. 147, 2004
17. Schlutter, Birgit, Developments In Customary International Law, p. 145, 2010
18. R. Kiestra, Louwrens, The Impact of the European Convention on Human Rights on Private International Law, p.144, 2014
19. D. Grant Thomas, Aggression Against Ukraine, p. 140, 2015
20. Health Condition of the Arab Population in the Occupied Arab Territories, Including Palestine, Thirty Six World Health Assembly, Doc. No. WHA 36.27 at Para.2
21. See Case Concerning Armed Activities in the Territory of the Congo (DRc v. Uganda) (Merits) ICJ Reports 2005, Para 214
22. Gihl, op. cit. in Scandinavian Studies in law, Strake, An Introduction to International law, chap. 1, Fischer Williams, Chapters on Current International Law, p. 11, 1957
23. Austin on positive morality in The Province, Lecture V, p125